

نمایش «بک تو بلک» ۶ میلیارد تومان فروخت

آمار هفتگی فروش و تماشاگران نمایش های به صحنه رفته در مجموعه تئاتر شهر و تماشاخانه سنگلج تا پایان روز جمعه ۷ مهر ۱۴۰۲ اعلام شد.نمایش «بک تو بلک» به کارگردانی سجاد افشاریان که از ۲۶ مرداد در تالار اصلی با ظرفیت ۵۷۹ تماشاگر و قیمت بلیت ۱۵۰،۰۰۰ و ۱۰۰هزار تومان اجرای خود را آغاز کرده با مجموع ۱۶۴ اجرا و میزبانی از ۲۵هزار۱۹۴ مخاطب



رضا آشفته گروه فرهنگ و هنر

با آن‌که ایـن روزها بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی و سنتی در بخش شهرستان (بجنورد، گرگان و...) آغاز شده اما همچنان این نوع نمایش‌ها راه به جایی نبرده‌اند، در بی‌توجهی به‌سرمی‌برندو

بلا تکلیف باقی مانده‌اند و با وجود چنین جشنواره‌ها،

آیین‌ها و سمنینارهایی؛ در حد نام و نشانی

مطرح می‌شوند.

نمایش‌های آیینی و سنتی ایران به درازنای تاریخ این سرزمین ریشه‌دار و اصیل دارای هویت است. بسیاری از این نمایش‌ها را باید در جهان اساطیر و افسانه‌ها، کهن‌ریدیایی کرد و بسیاری نیز در دل سده‌های مختلف یا به عرصه نهاده و به‌تدریج با شکوفایی همراه شده‌اند و همین چشم‌انداز می‌تواند اهمیت آنان را برای مان به‌طور چکیده و موج‌براز کند. اگر از پرداختن به آن غفلت شود انگار که بخشی از هویت ملی را تحت‌الشعاع فراموشی و بی‌توجهی قرار داده و این خود دال بر از دست رفتن ارزش‌های وجودی ماست. نیازها و ضرورت‌هایی در حفظ و نگهداری این نوع از نمایش‌های ارزنمندان باید لحاظ شده باشد که آنان را از تهدیدها و فراموشی و در محاق قرار گرفتن بیرون آورد که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

پژوهشگاه

یک پژوهشگاه گسترده و با استخدام پژوهشگران زنده می‌تواند زمینه‌ساز اتفاقات بزرگ‌تری در زمینه کشف نمایش‌هایی آیینی و سنتی باشد؛ این‌که گروهی پژوهشگر سال‌ها در دسته‌بندی‌های متنوع و تخصصی بخواهند انواع نمایش‌های آیینی و سنتی را مورد مطالعه و پژوهش علمی قرار دهند، یک‌امر ضروری است که متأسفانه در این سال‌ها به‌طور پراکنده به انگیزه برگزاری جشنواره آیینی و سنتی در این زمینه فعالیت‌هایی صورت‌گرفته اما این همه آن چیزی نیست که باید در خدمت این امر مهم باشد و باید که نهاد‌های ذی‌ربط به فوریت در این زمینه اقدام کنند؛ خواه از سوی آموزش عالی و خواه از سوی معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و باید که پاسخی اساسی و همیشگی به این نقصان فرهنگی داده شود و جای خالی آن به‌گونه‌ای پر شود و یک‌کم احیا شود که چنین پژوهشگاهی راه‌اندازی و فعال شده و پیامد مطلوبی برای آشنایی جامعه با چنین دارایی‌های ارزشمند فرهنگی صورت‌گرفته باشد؛ پژوهشگاهی که در پیوست با کتابخانه مدرن و سالن سمنبار، برازندگی ارائه آثارش را

نیز به شکل مستقل داشته باشد و این خود

(با احتساب بلیت تمام بها، نیم‌بها، تخفیف دار و مهمان) پنج میلیارد و ۶۵۶ میلیون و ۳۵۰ هزار تومان فروش داشته است.

نمایش «سوسمار» به کارگردانی رحمت امینی نیز که از ۶ شهریور اجرای خود را در تالار چهارسو با ظرفیت ۱۲۲ نفر و قیمت بلیت ۱۲۰هزار تومان آغاز کرده بود با مجموع ۲۳ اجرا و ۲۱۹۲ تماشاگر به فروش معادل ۲۱۴ میلیون و ۹۸۰ هزار

به انگیزه برگزاری بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی و سنتی ایران

اندر خم یک کوچه‌ایم

سرآغاز توجه به آن چیزی است که از دل سده‌های کهن به روزگار ما رسیده و با این‌که اگر به‌دست فراموشی سپرده شده، از محاق بیرون آید و دوباره با احیای مجدد، مسیر بازیابی و زندگی‌کردنش را در جامعه انسانی بیابد.

دانشکده

دانشکده بزرگ با ایجاد رشته‌های تخصصی در زمینه انواع نمایش آیینی و سنتی یک اصل انکارنشدنی در قرن بیست‌ویکم به‌شمار می‌آید. ما در این سال‌ها بخش عمده‌ای از این نمایش‌های آیینی و سنتی را شناسایی کرده‌و در زمینه‌فعال‌سازی آنان اقدامات هراگاهی انجام می‌دهیم اما ایجاد دانشکده و پرورش دانشجویان آگاه و کاربلد سرآغاز اتفاق بزرگ‌تری برای گسترش پویاتر این هنرهای ریشه‌دار ایرانی است. تعزیه، روخوسی، پرده‌خوانی و نقالی، خیمه‌شب‌بازی و سایه‌بازی از مهم‌ترین

نمونه‌های نمایش‌های آیینی و سنتی ایران زمین است که می‌تواند در این دانشکده آموزش داده شده و این هنرجویان در مقام نویسنده، کارگردان و دیگر عوامل ضروری آموزش‌های لازم را دیده و به‌تدریج جذب فضای فرهنگی جامعه شده و هنر خود را در اختیار مخاطبان ایرانی و خارجی قرار دهند چون با بیرون رفتن آخرین استادان بنام این هنرهای سنتی و آیینی، معلوم نیست

چگونه می‌شود این هنرها را با تمام فوت و فن لازم در اختیار نسل‌های پس از این قرار داد؟ در روزگار گذشته همه این آموزش‌ها در دل گروه‌های فعال با انتقال سینه به سینه ممکن می‌شد اما در روزگار ما که همه‌چیز در دنیا علمی و آکادمیک شده است، باید طبق روال به روز ما نیز پیرو چنین فرآیند مدرنی به دنبال نگهداری شکل کهن این نمایش‌های آیینی و سنتی برآییم و داشتن یک دانشکده تخصصی، بهترین شیوه برای گسترش چنین منظوری در کل ایران خواهد بود.

تئاتر آیینی و سنتی

ما هنوز چند سالن تخصصی برای ارائه نمایش‌های آیینی و سنتی نداریم. اگر تعزیه سنتی در یک سالن بزرگ و سکودار قابل ارائه است، باید که چنین جایی به بهترین شکل ممکن ساخته و با مدیریت و سازماندهی گروه‌های حرفه‌ای در طول سال برای فعال‌سازی آنجا برنامه‌ریزی شود، حالا می‌خواهد متولی این سالن تعزیه مرکز هنرهای نمایشی یا سازمان فرهنگی هنری شهرداری یا حوزه هنری یا هر نهاد دیگری باشد، به هر تقدیر،

تومان دست‌پیدا کرد. نمایش هیدن (پنهان) در تالار قشقایی ۵۹ فروشی معادل ۷۵۲ میلیون و ۵۸۵ هزار تومان، «کسی برای یک گوریل همگین کاری نمی‌کند» در تالار سایه فروشی معادل ۶۵ میلیون و ۳۰ هزار تومان، «آوینیون» فروشی معادل ۱۱۹ میلیون و ۲۱۸ هزار تومان و نمایش «تفتنگ‌های کارار» فروش ۱۳ میلیون و ۳۷۰ هزار تومانی داشته‌اند.



می‌تواند بیانگر نمونه‌های حرفه‌ای‌تر در این زمینه باشد که در آنجا با برخورداری از فیلم، ویدئو، بریده جراید، کتاب، عکس، ابزار و... می‌شود مخاطبان را نسبت به پدیده‌ای سنتی و تاریخی به شگفتی واداشت. هنرهای نمایشی ما قدمت دیرینه‌ای دارد و چه بسا ما از هند، چین، ژاپن، مصر و یونان پیش‌دستی‌هایی هم کرده باشیم و تا پژوهش دقیق و مستندات لازم در جایی مانند موزه گردآوری نشود، نمی‌توانیم به یقین در این باره اظهارنظری کنیم و ادعای توخالی نیز بیانگر هیچ نوع نگاه برانده‌ای برای هنر ایرانی نیست.

باید به همت مدیران و متولیان فرهنگی و صرف هزینه و نیروی انسانی در این زمینه گام‌های مؤثری برداشته شود و میراث فرهنگی نیز از جمله نهادهای مهمی است که می‌تواند در زمینه موزه‌داری کمک حال تئاتر و نمایش‌های آیینی و سنتی ما باشد، چنانچه از ۲۰ سال پیش برنامه‌هایی برای تبدیل سالن تئاتر نصر به موزه تئاتر صورت گرفته اما هنوز بی‌سرانجام باقی مانده چون مدیریت کلانی برای چنین منظوری نبوده و هنرمندان نیز به‌تنهایی از پس چنین منظوری برنخواهند آمد و باید که موزه بسیار بزرگ برای نمایش‌های آیینی و سنتی راه‌اندازی شود چون حتماً مدرک قابل‌استنادی برای آنها به‌طور پراکنده در دسترس هنرمندان و خانواده ایشان است که اگر موزه یا موزه‌هایی برای گردآوری آنها در نظر گرفته نشود، اینها نیز از بین خواهند رفت و پیش از آن‌که دیده شود باید اقدام راستینی انجام گیرد.

جمع‌بندی

کوتاهای نکیم

برگزاری جشنواره آیینی و سنتی هر دو سال یک‌بار بدون داشتن زیربنا ، مهندسی و مدیریت دقیق، نوعی درجا زدن است چون اگر جشنواره محل ارائه و ورتترین گونه‌های نمایشی است، چه بهتر که محل ارائه آثار و ضرورت‌های نگهداری و آموزشی‌اش نیز به شکل علمی و کاربردی درنظر گرفته شود و این چنین هنر خود و هم دیگران از وجود چنین داشته‌هایی به خود بیابند، چون چنین میراثی ارزشمند انسانی و جهانی داشته و برای حفظ میراث فرهنگی نباید کوتاهی بیش از حد مانع از درازنای اساطیر زیباتر انسانی شود. چنانچه اگر تعزیه از درازنای اساطیر باستان به روزگار ما رسیده و در آمیزش با واقعیه کرپلا به شکل بارزتر ارائه‌دهنده ارزش‌های بشری است نباید چنین میراثی به‌تدریج از دسترس انسان امروز بیرون آید که این خود خیانتی جبران‌ناپذیر است.

موزه

موزه‌ها محل نگهداری مستندات، اسناد، ابزارها و تجهیزات مختلف است و نمایش‌های آیینی سنتی نیز در درازنای تاریخ با نمونه‌هایی همراه شده‌اند که همواره رنگ عوض کرده‌اند و در جاهای مختلف به شکل‌های متفاوت درآمده‌اند و باید موزه یا موزه‌هایی را برای مواجهه با چنین فرآیندی مدنظر قرار داد. موزه تعزیه یا روخوسی می‌تواند برای هر مخاطبی برانده و ارزنده باشد زیرا که در تاریخ با واقعیت‌های قابل درکی آشنا خواهد شد. چنانچه این سال‌ها یک موزه تخصصی مبارک و در واقع خیمه‌شب‌بازی و عروسک‌های سنتی ایران در خیابان برادران مظفر شکل گرفته و این نمونه کوچک



قاب



پای‌مان را اشتباه نگذاریم

هم‌زمان با اختتامیه بخش رادیو تئاتر بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی و سنتی از بیوک میرزایی، پیشکسوت نمایش رادیو به پاس سال‌ها تلاش در این حوزه تقدیر شد. بیوک میرزایی که خاطرات بسیار زیبایی من امشب است، گفت: ریشه کاری ما از این هنرهای آیینی و سنتی است که به ما رسیده. بزرگان بسیاری بودند که ما در مقابل‌شان کوچک‌ترین بودیم. همواره نگرانم که پای‌مان را اشتباه نگذاریم. این حرفه جان دادن و جان گرفتن است.

«یک کشتی پر از میخک برای هرانددینک» در بازار کتاب

نمایشنامه «یک کشتی پر از میخک برای هرانددینک» نوشته آنا دواتیان با ترجمه آتی هوسپیان منتشر شد. این کتاب نمایشنامه‌ای است درام در یک پرده، بدون حرکات، جزئیات، توضیحات و صحنه‌پردازی؛ بدون بیان مکان و زمان رخداد حوادث؛ کامل تکیه زده به تک‌گویی‌های بلند

است که توسط پنج شخصیت تعریف شده در متن تنها به منظور تبدیل این روایت به گفتار و نه صرفاً نمایش نوشته شده و روند شکل‌گیری و تصویرسازی فقط با تک‌گویی‌های اشاره شده انجام می‌شود. دواتیان در این اثر به جای توضیح منحصر مطالب، از تصویرسازی توأماً با استعاره استفاده کرده و چنان زیرساخت واقع‌نمایی‌ای به وجود آورده که در اجرای صحنه‌ای برای بیننده موضوع اصلی یعنی همان تصفیه نژادی ارمنستان غربی به‌شدت موجه و باورپذیر خواهد بود. این نمایشنامه که موضوع آن تصویری پرهراس از حقیقتی انکارناپذیر است که برپایه مقدمه‌چینی بسیار عالی و ظریف، شخصیت‌پردازی منحصربه‌فرد از نظر روحی روانی- اعتقادی و فرهنگ عاطفی خلق گرهِ داستانی و به دنبال آن، ایجاد حس دلهره شکل گرفته، توانسته در پایان به تک تک پرشش‌های به وجود آمده در ذهن مخاطب پاسخ کامل و واضح بدهد.



اجرای «تکه‌های سنگین سرب» در تماشاخانه مهر

نمایش «تکه‌های سنگین سرب» به نویسندگی ایوب آقاخانی و به کارگردانی سعید رضائزاد از ۱۰ تا ۱۴ مهر ۱۸ ساعت در تماشاخانه مهر حوزه هنری روی صحنه می‌رود. نمایش تکه‌های سنگین سرب، یک بیوگرافی درباره شهید مصطفی چمران است که به زوایای جدید شخصیت چمران نظر دارد و برای بازنمایی آن به بخشی از زندگی او در خارج از کشور می‌پردازد. این نمایش توانست عنوان نمایش برگزیده سیزدهمین جشنواره تئاتر سیج در سال ۱۴۰۱ را کسب کند و جوایز دوم کارگردانی، دوم بازیگری زن، تقدیر بازیگری مرد و تقدیر طراحی صحنه را به خود اختصاص دهد. در این نمایش رضا ربوی و نیلوفر علیپور کامران به ایفای نقش می‌پردازند. سایر عوامل این اثر نمایشی عبارتند از طراح صحنه: میثم حبیبی، طراح لباس: هاله زرخورد، مدیر تولید: بهرام محرم زاده، طراح بوستر و موسیقی: زنده‌یاد فرشید امن‌اللهی. تکه‌های سنگین سرب، سال ۱۴۰۱ توانست عنوان نمایش برگزیده سیزدهمین جشنواره تئاتر سیج را کسب کند و جوایزی را در بخش‌های دوم کارگردانی، دوم بازیگری زن، تقدیر بازیگری مرد و تقدیر طراحی صحنه را به خود اختصاص دهد.



جام جمعه

تئاتر

THEATER

یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲ ۶۵۹۵ شماره

یادداشت

رسانا آشفته گروه فرهنگ و هنر

نقدی بر نمایش «دردنوشان» نوشته و کار عمار تفتی

از دل برآید و بر دل نشیند

نمایش «دردنوشان» نوشته و کار عمار تفتی بر پایه خاطرات واقعی است و نویسنده از خود می‌گوید و به بیان بهتر حدیث نفسی است که از فراز و نشیب‌ها و گسل‌ها و گسست‌های زندگی یک هنرمند حرف می‌زند. مقاومت او در این پستی و بلند‌ها که روزگارش از بد فرجامی به یاری روان‌درمانگر و شیخ اجل سعدی شیرازی نجات می‌یابد و امروز شمه و گوشه‌ای از آن مخاطرات و خاطرات به روایت خود بازگير، نویسنده و کارگردان بر صحنه روایت می‌شود.

به این نوع روایت واقعی و زندگی‌نامه‌ای که همانا اعتراف‌نامه نیز می‌گویند و در آن، هنرمند جسارت می‌کند و برای آگاهی مخاطبان بی‌رودریاستی از زندگی خویش می‌گوید و هدف نیز تنبیه و پاکسازی تن و روان است که در این چالش بزرگ از کزازه‌ها به درآمده و با فهم خود و خدای خویشن عاقبت بخیر شده است.

این فرجامی نیک برای بازیگری که در چهل و دوسه سالگی سر و صورت سفید کرده و گرد پیری به رخسار کشیده است، گویای دشواری‌هایی است که دردها و رنج‌هایی را بر تن و روان رنجور او وارد ساخته و او با تلویحات صریح‌لحن و زودگذر ما را در جریان امر خواهد گذاشت. خب شاید شنیدن آنها برای مخاطب هم راحت نباشد؛ به‌ویژه کسی که آشنایی قبلی با بازیگر داشته، کار را سخت می‌کند زیرا که آرزوی ما در همه حالات، حال خوش برای دیگران است، به‌ویژه برای هنرمندی که باید بنابر استعداد و توان باطنی روز به‌روز پیشرفت کند و مدارج عالیه را پشت سر بگذارد.



به هر حال عمار تفتی در قالب مونولوگ و اجرای موسیقی، نمایش را عرضه می‌کند؛ باره‌ای از زندگی‌اش را می‌گوید و قطعه‌ای از غزلیات سعدی اجرا می‌شود و دوباره تابه پایان... مردی که یک عمر احساس می‌کرده به‌دلیل بیش‌فعال بودن، مورد توجه و محبت دیگران واقع نمی‌شده است چون در کودکی از پدر کمک می‌خورده و از مادر بی‌توجهی می‌دیده است و ۱۵ سال با زن زندگی‌اش نیز با تردید در محبت زندگی می‌کرده تا این‌که جدایی مسیر زندگی‌شان را کاملاً دگرگون کرده و حالا در مسیر درمان، فحوائ عشق برایش آشکار شده و لب به اعتراف گشوده که دیر و دور باورت کرده‌ام.

عمار تفتی پیراهن سفید و شلوار اتو شده و شیکی بر تن کرده و انگار قرار است در جایی مجلس‌آرایی کند و چنین هم می‌شود و محاسن سفیدش بسیار جلب توجه می‌کند و لحن شیرین و در عین حال پرسوز و گدازش که حکایت از دلی شکسته می‌کند اما تن و روان اینک احیا شده است که راحت از این مخاطرات می‌گذرد و مخاطب را برای حل مسائل به روان‌درمانگرها توصیه می‌کند و ادبیات و به‌ویژه اشعار سعدی را راهگشا می‌داند.

ساختار نمایش ساده و بی‌پیرایه است و اگر اندوه و پیچیدگی‌ای در آن موج می‌زند، برآمده از نوع روایت و لحن بازیگر است که هر شنونده‌ای را سر شوق می‌آورد و این نوع روایت که تجربه زیسته هنرمند است با ارائه ادبیات خلاق می‌تواند در دگرگونی مخاطبان تأثیرگذار باشد و به بیان دیگر از دل برآید و بر دل نشیند.